

خبر

توضیح وزارت خزانه‌داری آمریکا درباره دستورالعمل جدید

● تازه‌ترین دستورالعمل وزارت خزانه‌داری آمریکا مبنی بر آزادبودن معاملات بر پایه دلار با ایران به شرطی که وارد نظام مالی آمریکا شد موج تازه‌ای از انتقادات جمهوری‌خواهان را به راه انداخته و این وزارتخانه را به ارائه توضیحات بیشتر واداشته است. بر اساس این دستورالعمل جدید، شرکت‌ها و مؤسسات خارجی آزادی بیشتری برای تجارت با ایران به دست خواهند آورد و منتقدان دولت در آمریکا از این موضوع ناراحت و نگران هستند. وزارت خزانه‌داری آمریکا تصریح کرده است که دستورالعمل مذکور به معنای تسهیل تحریم‌های باقیمانده علیه این کشور نیست. این وزارتخانه در بیانیه‌ای توضیح داد که دستورالعمل تازه آنها تنها برای شفاف‌سازی درباره بایدهوینبایدیادیه توافق هسته‌ای سال گذشته ایران و گروه ۵+۱ است؛ توافقی که علاوه بر رفع تحریم‌ها علیه ایران، به تهران اجازه داد تا در ازای محدودکردن برنامه هسته‌ای‌اش به میلیاردها دلار از دارایی‌های مسدودشده خود دسترسی پیدا کند. آن‌طور که در بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا آمده بود، مقامات آمریکایی برای رفع نگرانی بازرگانان خارجی درباره اینکه چه معاملاتی با ایران به دلیل تحریم‌های غیرهسته‌ای ممنوع است، این دستورالعمل را صادر کرده‌اند و هدف از آن شفاف‌سازی درباره لغو تحریم‌ها تحت توافق هسته‌ای و همچنین مشخص‌کردن تحریم‌های باقیمانده بوده است و دلالت بر کاهش دوباره تحریم‌ها ندارد. اگرچه وزارت خزانه‌داری آمریکا و برخی کارشناسان تحریم تأکید می‌کنند که دستورالعمل جدید نشان‌دهنده هیچ تغییری در سیاست واشنگتن یا کاهش تحریم‌ها نیست اما برخی دیگر، به‌ویژه منتقدان هسته‌ای معتقدند که این شفاف‌سازی به طرز مؤثری منجر به تسهیل تحریم‌ها از طریق ترغیب شرکت‌های خارجی به تعامل با ایران می‌شود که در نهایت سرآیزشدن پول بیشتری به ایران را در پی خواهد داشت. گفتنی است آمریکا باوجود توافق هسته‌ای، هنوز برخی تحریم‌های خود علیه برخی کمپانی‌ها و افراد را لغو نکرده است. این افراد و شرکت‌ها به بهانه‌های مختلف از جمله برنامه موشکی ایران، حقوق بشر یا حمایت از گروه‌های تروریستی در لیست سیاه آمریکا قرار گرفته‌اند. حال برخی از رسانه‌های منتقد آمریکا همچون فاکس‌نیوز مدعی هستند که در زبان جدید وزارت خزانه‌داری، مبادلات خارجی با شرکت‌هایی که تحت تحریم‌ها نیستند یا به طور مستقیم از سوی اشخاصی که در لیست سیاه جای گرفته‌اند اداره نمی‌شوند یا به آنها تعلق ندارند بل‌امعان اعلام شده است.

معاون حقوقی رئیس جمهوری:

امام حسین(ع) تمام‌داشته‌های خود را تقدیم خیر جمعی ابدی کرد

● ایستنا: حجت‌الاسلام مجید انصاری، معاون حقوقی رئیس جمهوری، در همایش «محرّم و خیر جمعی» ضمن تسلیت ایام سوگواری ابا عبدالله (الحسین(ع) و یاران وفادار گفت: «امام حسین(ع) و یارانش تمام داشته‌های خود را برای یک خیر جمعی ابدی تقدیم کردند.» او فعل خیر را دارای اشکال مختلف در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دانست و گفت: «در دوران یکی از بزرگ‌ترین افعال خیر جمعی قیام امام خمینی(ره) بود که ملتی را از ظلم رهایی بخشید.»
معاون حقوقی رئیس‌جمهور افزود: «حضرت سیدالشهدا(ع) چراغ هدایت و کشتی نجات همه انسان‌های بعد از خود شد که این بزرگ‌ترین خیر جمعی است. پیروان و محبان امام حسین(ع) نیز باید از همین منظر واقعه عاشورا و نقش‌آفرینی قهرمان آن را و ببیند و از آن درس گرفته و براساس این الگو عمل کنند.»
انصاری با اشاره به اینکه اسلام همواره و در تمام اعمال و مناسک، انسان‌ها را به کار جمعی دعوت کرده است، گفت: «در اسلام همه اعمال و مناسک از نماز گرفته تا حج، در شکل جمعی آن برتر شمرده شده‌اند.»
معاون حقوقی رئیس جمهوری تصریح کرد: «امروز در جامعه افعال خیر زیادی انجام می‌شود که اگر اعمال و افعال خیر کوچک، در جهت جمع‌شدن با هم سازماندهی و هدایت شوند، قطعا سرمایه‌های کوچک اجتماعی و اقتصادی صرف شده در راه خیر، نتایج و ثمرات بزرگ‌تری خواهد داشت.»
انصاری گفت: «امروز مراکز خیریه و از جمله سازمان‌های مردم‌نهاد که در سطح جامعه اقدامات خیریه انجام می‌دهند که دولت و مجموعه نظام باید از این فعالیت‌ها حمایت و آنها را هدایت و مسیر قانونی فعالیت آنها را تسهیل کنند که البته دولت اخیرا مصوبه‌ای دراین‌باره داشته که یا به شکل لایحه تقدیم مجلس خواهد شد یا به شکل مصوبه دولت برای اجرا ابلاغ می‌شود.»
انصاری اضافه کرد: «فعل خیر صرفا رفع نیاز مادی یک فرد یا خانواده نیست، بلکه کمک به تأمین نیازهای دانشجویان، محققان، پژوهشگران، دانش‌آموزان، جوانان و زوج‌های جوان، بیساران و امثال آنها در اشکال مختلف، چه کمک مالی و چه کمک فکری و عاطفی و حمایت‌های دیگر همه مصداق عمل خیر هستند.»
معاون حقوقی رئیس جمهوری گفت: «امروز تشکیل یک حزب سالم با اهداف الهی و انسانی برای تقویت انسجام ملی و استقرار آرمان‌های نظام و هدایت افکار عمومی به سوی تحقق این اهداف خود یک فعل خیر جمعی بزرگ و ارزشمند است که متأسفانه گاهی حتی این موضوع منفی هم جلوه داده می‌شود.»

ادامه از صفحه ۶

۴ مراجع با اینن دیدگاه‌ها که کرده بود، چه برخوردی داشتند؟ آیا در حوزه‌های علمیه همراهی صورت گرفت؟ می‌توانید یک گزارش تاریخی از نقدهای مرحوم آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی به دیدگاه‌های امام اراهه کنید؟
کسانی بودند که آن حرف‌ها را قبول داشتند که حتی در شورای نگهبان هم حضور داشتند. در مجلس هم عده‌ای بودند. این‌گونه نبود که مسیر هموار هموار باشد. امام راه‌حلی داده بودند که بعدها توصیه می‌کردنما مصلحت را مبسطنه اصلی می‌دانیم که مسئله امت، انقلاب و سیاست‌های داخلی و خارجی کشور را ملاک قرار می‌دهیم و منافع مردم را در نظر می‌گیریم. باید اینها ملاک باشد، چون شرع، این مسائل را به خود مردم واگذار کرده است. آنجا که وحی بود، پیامبر(ص) می‌فرمودند و کسی حرفی نداشت و حالت تبعیدی داشت. آنجا که قرار بود مسائل با رای حل شود، مردم وارد می‌شدن. خود پیامبر(ص) این‌گونه بود. اگر به روایات و تاریخ اسلام بیاوریم، می‌بینید که گاهی(رسول اکرم(ص) مسئله‌ای را مطرح می‌کردند و مردم در آن بحث وارد می‌شدن و نظر پیامبر(ص) تغییر می‌کرد.

مثلا در جنگ‌ها، گاهی پیامبر(ص) براساس گزارش‌ها مسیر حرکت لشکر را مشخص می‌کردند و دیگران نقد می‌کردند و پیامبر(ص) نظرهاي آنها را می‌پذیرفتند. آنچه را که پیامبر(ص) می‌دید، به شکل تبعید از مردم می‌خواست، وحی بود که مردم حق نداشتند در مقابل آن حرفی بزنند. البته اگر مردم نظر خود را می‌گفتند، مشکلی نبود، اما نوع ایمان مردم به گونه‌ای بود که وحی را از جان و دل می‌پذیرفتند. آنچه را که خود پیامبر(ص) تشخیص می‌دادند و مطرح می‌کردند، قابل نقد و بررسی بود.

من فکر می‌کنم الان کسانی در کشور هستند که با ادعای خیرخواهی، دارند اصل ولایت را تضعیف می‌کنند که می‌گویند، هر چه رهبری گفتند، باید همان بشود. نظرات رهبری که از نظرات شخص پیامبر(ص) بالاتر نیست. وقتی نظرات پیامبر(ص) قابل نقد است، نظرات رهبری هم قابل نقد است. اصلا خودشان بارها اعلام کرده‌اند که نظرات را نقد کنید. در تاریخ‌امه(ع) هم موارد زیادی داریم که کسانی خدمتشان می‌رفتند و آنها از مهمانان می‌خواستند که موعظه‌شان کنند. این شیوه، شاید حالت بی‌حیعی معاشرت مردم باشد که حرف‌های م‌دیگر را با هدف بهترشدن نقد می‌کنند، اما وقتی پیامبر(ص) و امام(ع) مطرح می‌کنند، با هدف فرهنگ‌سازی در اسلام است.

۴ آیا شخصا مذاکره‌ای در این زمینه با اعضای شورای نگهبان داشتید؟ آیا با شخص آیت‌الله گلپایگانی که آن نامه سرگشاده را به مجلس نوشتند، صحبت کرده بودید؟

درباره آن نامه، وقتی امام جواب اصلی را دادند، من هم با توضیحات جواب دادم.

امام خمینی در یکی از دیدارهای نمایندگان مجلس با ایشان، به آنها توصیه می‌کنند که درباره مصلحت با شورای نگهبان گفت‌وگو کنند و درحالی‌که در رای قبلی خویش نظر اکثریت مجلس را کافی دانستند، با اصرار فراوان از نمایندگان می‌خواهند برای آنکه شورای نگهبان نظر مجلس را قبول کند، حداقل دوسوم نمایندگان به ضرورت‌بودن این دست از مصوبه‌ها رای دهند... اینکه نمی‌شود گفت حالا که یک عده‌ای گفتند اضطراری است، ما او را می‌گیریم، فرض یک چند نفر هم او اکثریت دارد. شما باید یک کاری کنید که اضطراری را قبول کند، شورای نگهبان قبول کند، مجلس (االا) دو‌ثلثش رای بدهد به اینکه این امر اضطراری است، مشورت کنند با اشخاص مطلع. (صحیفه امام، ج۱۷، ص: ۲۵۳)

در اینجا امام خمینی با نگرانی فراوان هم‌زمان با جنگ از احتمال راهپیمایی مخالفان دراین‌باره سخن می‌گوید: اگر یک وقت مردم ترک خیابان نریختند و شعار بر ضد ما دادند، شعار بر ضد کسانی دادند، خوب، آن وقت چه مصیبتی است. ما بسمان است آن شعارهایی که در خارج ایران‌هم می‌دهند و آن شعارهایی که منافقین می‌دهند و امثال آنها. ما وقتی مردم را داریم، اسلام را داریم و رضای خدا را داریم، همه چیز داریم و هیچ یک از آن تبلیغات سو، تأثیری نمی‌کند(صحیفه امام، ج۱۷، ص: ۲۵۳)

او در ادامه از احتمال لغزش مردم در تحلیل مواضع مجلس درباره مصلحت سخن می‌گوید و توضیح می‌دهد: اما اگر خدای خواسته مردم یک وقتی لغزش پیدا کردند، دیدند شما خدای نخواست‌ه دارید یک کار خلاقانه می‌کنید و خیال مردم ت‌عمد نیست، خوب، آنها که نمی‌دانند این مسائل را، توده مردم که نمی‌توانند مسائل را تحلیل کنند به طوری که بفهمند که کجا عمد بوده، کجا نبوده، فلان آقا چه بوده است، او چه بوده، این مصیبت می‌شود برایتان و من امیدوارم که ان‌شاءالله جدیت زیاد در این مسئله بگیرند. (صحیفه امام، ج۱۷، ص: ۲۵۳)

امام خمینی تأکید بر مشورت با کارشناسان از سویی و گفت‌وگو با اعضای شورای نگهبان از سوی دیگر دارد. ...و ان‌شاءالله رای‌هایی که شما می‌دهید، مشورت‌ها زیاد باشد. بلکه گاهی وقت‌ها با بعض افراد شورای نگهبان مشورت کنید و بعد از اینکه مشورت شد و این امور آن طور شد، دیگر نه شورای نگهبان رد می‌کند و نه مردم ناراضی می‌شوند. مردم وقتی دیدند یک حکمی را حکم خداست، مجلس گفته است، شورای نگهبان هم که دنبال این است که احکام اگر خلاف اسلام باشد ردش کنند، حالا که قبول کردند اسلامی است، مردم با اسلام که دعوا ندارند. مردم، اسلام هر چه بفرماید قبول می‌کنند. کسی که جواش را برای اسلام می‌دهد دیگر دنبال این نیست که مثلا فلان چیز را ندارد، چطور باشد،

یا فلان چیزا دارد، چه بشود. (صحیفه امام، ج۱۷، ص: ۲۵۳)

۴ در اینجا سؤوال این است که آیا خود شما به عنوان رئیس وقت قوه مقننه و مجلس برای حل اختلاف نظرهای مجلس و شورای نگهبان، با آنها صحبت می‌کردید؟

همین الان هم مرسوم است که وقتی شورای نگهبان مصوبه‌ای را خلاف شرع تشخیص می‌دهد و مخالفت می‌کند، آن مسئله پس از رد‌بودن‌شدن بین مجلس و شورای نگهبان به مجمع می‌آید و در مجمع هم اول به کمیسیون مربوطه می‌رود. از شورای نگهبان و مجلس، نمایندگان به کمیسیون می‌آیند تا نظر خودشان را بدهند که در خلال آن مذاکره و گفت‌وگو می‌شود. اگر یکی از دو طرف قانع نشدند، برای نظر نهایی به صحن مجمع می‌آید. درباره آیت‌الله گلپایگانی هم زمانی آن نامه مطرح شده بود که ایشان در قم بودند و ما در تهران بودیم. فرصت و زمینه دیدار حضوری و طرح مباحث نبود، به همین خاطر مسائل را به شکل نامه و پیغام مطرح می‌کردیم. آن زمان حجت‌الاسلام عباسی‌فرد که در مقطعی عضو شورای نگهبان بود و با آیت‌الله گلپایگانی ارتباط داشتند، نظرات و پیغام‌های ما را می‌برد و پاسخ ایشان را می‌آوردند. گاهی که به قم می‌رفتم، خدمت ایشان می‌رسیدم و مسئله را مطرح می‌کردیم و توضیح می‌دادیم. انتقادات ایشان و جواب‌های ما چون با هدف اصلاح امور بود، خیلی عادی و در فضایی دوستانه مطرح و پیگیری می‌شد. اصام درست در منشور روحانیت (پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و انمه جمعه و جماعات) در اسفند ۶۷ از حجتیه‌ای‌ها می‌نالند که: «ولایتی» که برای دیروز که در سکوت و تخری خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند، و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکست‌اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است. امروز خود را بانی وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می‌خورند و با توضیحاتی که درباره آنها و متجربین حوزه می‌دهند، می‌گویند: «تاهم حلال‌کردن حرام‌ها و فراهم‌کردن حلال‌ها، اتهام کشتن زنان آبیستن و

حلیت قمار و موسیقی از سوی چه کسانی صادر شده است؟» (صحیفه امام، ج۲۱، ص: ۲۸۱)
این گزاره «حرام‌کردن حلال‌ها و حلال‌کردن حرام‌ها»، همان گزاره‌ای است که در اعتراض به پاسخ امام خمینی به نامه مطرح شد. یعنی قبل از اینکه امام پاسخ شما را بدهند، دبیر وقت شورای نگهبان نامه‌ای به امام می‌نویسند و از تعبیر حلال و حرام‌ها سخن می‌گوید و نگرانی خود را از تبعات اجرای دیدگاه امام خمینی چنین اعلام می‌کند:

سؤال این است که اگر بنا باشد شورای نگهبان در مورد ضرورت‌ها حق اظهارنظر نداشته باشد، خطر تصویب ضرورت‌ها براساس جوسازی‌ها و اعمال نفوذ افراد ذی نفوذ در مجلس و مکتب‌گرایی‌ها که بسیاری پیاده‌کردن آن مکتب‌ها را ضرورت و بلکه واقعیت می‌دانند؛ چگونه دفع می‌شود؟ و اگر خطر اینکه مجلس در زمانی بتواند مثل دوره گذشته، قوانین خلاف شرع تصویب کند، با درنظرگرفتن شورای نگهبان دفع شده است؛ اینکه که همان خطر به این صورت بازگشته است و این امکان حاصل شده که با عنوان ضرورت، هر حال‌ای حرام و هر حرامی حلال و قانونی اعلام شود؛ دافع این خطر چیست و از چه راهی خطر تصویب ضرورت‌های غیرواقعی دفع خواهد شد؟ (دکتر حسین مهرپور، پیش‌وی ۲ و ۵)

و آیت‌الله العظمی گلپایگانی در نامه سرگشاده خود به مجلس می‌نویسند: «... چنان نیست که علاج این مشکلات در احکام اولیه نباشد تا با ضرورت بخوایم موقتا آن را علاج کنیم. این ضرورت‌ها و معایب و اثر عدم اجرای احکام اسلام پیش آمده است. اگر ما در صورتی بمانیم که حلال خدا را حرام و حلال خدا را حلال نمایم؛ ما هکذا تورد یا معد الایل. (از شاهد قدسی تا شاهد بازاری، ص۱۲۰)
در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا حجتیه در شکل‌دادن آن چالش‌ها نقش داشت؟ آیا جریان‌های متحجر در پس پرده نقش‌آفرینی نمی‌کردند؟ نقش مستقیم این‌گونه را بعید می‌دانم، ولی نوعی تحجّر دکماتیکست که در تفکرات بخشی از افراد و حتی بعضی از روحانیون رسوب کرده بود، مخالف هر نوگرایی و نظرات جدید بود. یعنی آنها حرام و حلال فتاوا را حلال و حرام خدا می‌دانستند و هر نوع تجدیدنظر را در آن مسائل برنمی‌تابیدند.

اصام با نگاه کلی، این مسائل را مطرح می‌کردند و می‌گفتند احکام الهی هم تابع مصلحت هستند. بعضی وقت‌ها مصلحت را می‌فهمیم و بعضی وقت‌ها نمی‌فهمیم. مصالح خفیفه و مکشوفه داریم. این اصلی است که همه ما قبول داریم. یعنی هیچ حکم خداوند بدون مصلحت نیست. وقتی عقل بشر می‌رسد و مصلحت یک موضوع مورد تردید را می‌فهمد، وضع فرق می‌کند و زمینه یک چیز دیگر می‌شود. آنها می‌گفتند چرا

سیاست

راه حل نخستِ فهم مصلحت از منظر امام راجعه به اکثریت بود

می‌خواهید حرام خدا را حلال کنید یا برعکس؟! امام می‌گفتند: شما اینجا را کور خواندید، یعنی بروید عمق مسئله را بخوانید. چون اگر آن حلال تابع یک مصلحت بود، این حرام هم تابع یک مصلحت است و ما مصلحت آن را فهمیدیم که باید به آن عمل کنیم.

اجازه می‌خواهم با شما مجادله‌ای داشته باشم. شما برای توضیح فرایند جمهوریت در اندیشه امام خمینی به این نکته اشاره می‌کنید که نمایندگان را مردم انتخاب می‌کنند. اما، به گفته ایشان: مجلس نماینده عرف، و نمایندگان خود از عرف هستند «تشخیص موضوع ... در عرف و شرع به عهده عرف است» (صحیفه امام، ج۱۵، ص۳۱۱)

در جای دیگری درباره احکام ثانویه مصوب مجلس می‌گویند: با تشخیص دوسوم مجلس شورای اسلامی که جمتهی از علمای اعلام و مجتهدان و متفکران و متعهدان به اسلام هستند، در موضوعات عرفیه که تشخیص آن با عرف است، با مشورت از کارشناسان، حجت شرعی است که مخالفت با آن بدون حجت قوی‌تر خلاف طریقه عقلاست. چنانچه تغییر احکام اولیه، با شک در موضوع و عدم احراز آن با طریقه عقلا مخالف است (صحیفه امام، ج۱۷، ص: ۳۲۱).

به این ترتیب نمایندگان مجلس، نمایندگان عرف هستند برای مراجعه به عرف کارشناس. چون در همین رابطه می‌گویند که نمایندگان مجلس در کمیسیون‌ها یا کارشناسان مشورت کنند. صورت مسئله این‌گونه است که مردم، نمایندگان را انتخاب می‌کنند، نمایندگان مردم تعیین می‌کنند که یک مصوبه، مصداق عرف مصلحت هست یا نیست. اگر تعیین نکنند، معاینش این است که دواطلبانه آن مصوبه را از جنس مصلحت ندانسته است و قضاوت درباره تطبیق آن با احکام اولیه را به شورای نگهبان سپردند. اما اگر قید مصلحت را درباره مصوبه خود تأیید کنند، نظر مجلس که نظر نمایندگان مردم است، بدون تطبیق با احکام اولیه شرع اصل می‌شود. در اینجا امام خمینی تصریح می‌کند که «احکام ثانویه ربطی به اعمال ولایت ندارد» (صحیفه امام، ج۱۷، ص: ۳۲۱)، در این میان تنها تأکید بر تطبیق این مصوبه با قانون اساسی از سوی حقوق‌دانان شورای نگهبان دارند و می‌گویند: احکام ثانویه ربطی به اعمال ولایت ندارد و پس از رای مجلس و انفاذ شورای نگهبان، هیچ مقامی حق رد آن را ندارد و دولت در اجرای آن باید بدون هیچ ملاحظه‌ای اقدام کند (صحیفه امام، ج۱۷، ص: ۳۲۱).

۴ یعنی پس از تصویب مجلس و گذشتن از پرسوه شورای نگهبان- نه به معنای فقهی، بلکه به معنای بررسی قانون اساسی- هیچ کسی حق ندارد با آن مخالفت کند و باید اجرا شود. در این صورت مگر آنچه امام می‌گویند، یک شکل کاملا دموکراتیک پیدا نمی‌کند؟
من آن کویم نظر امام در این مسئله، سیاسی به آن معنا نیست. واقعیت این است که توده مردم حتی حقوق خود را لایه‌ای متن‌های پیچیده قانون‌گذاری متوجه نمی‌شوند. نمایندگان چگونه می‌خواهند برای تصویب یک مطلب، نظر همه کسانی را که به آنها رای داده‌اند، بگیرند. مخصوصا وقتی بحث از تشخیص مصلحت می‌شود. این کار، به معنای حرکت، دموکراتیک نیست. یک حرکت قانونی براساس مصلحت است که کار را به کارشناس می‌دهند. اگر دینی هم در کار نباشد، وقتی می‌خواهند کاری در این سطح انجام دهند، کارشناس می‌آورند. مثلا بدون نظرات کارشناسی کسی نمی‌آید حتی ساختمانی بسازد. باید مهندس، معمار، بنا و حتی مهندس ناظر باشند. معلوم است که کارهای مربوط به قانون‌گذاری بسیار پیچیده‌تر از کارهای سطحی است.

۴ یک بار نمایندگان مجلس به عنوان مرجع تشخیص عرف کارشناس به کارشناسان مراجعه می‌کنند و یک بار یک فقیه یا شخص دیگری مراجعه می‌کند. اینجا مرجعی که به کارشناسان مراجعه می‌کند، نمایندگان مردم هستند. آیا نتیجه آن دموکراتیک‌نشد؟
بازهم بحث کارشناس و نظرات کارشناسی مطرح می‌شود. می‌توان یک مثالی زد؛ فکر کنید که قرار است یک موضوع مربوط به مسائل پزشکی در مجلس مطرح و قانون مربوط به آن تصویب شود. معلوم است که نمایندگان باید با متخصص پزشکی صحبت و مشورت کنند. به تناسب هر موضوعی که مطرح می‌شود، با کارشناس مربوطه صحبت می‌کنند تا مصلحت رای مثبت و منفی برای آن نماینده روشن شود. این شیوه، یک کار عقلانی است که در همه امور زندگی جریان دارد.

۴ این نامه در سال ۶۰ نوشته شد که زمان زیادی از انقلاب نگذشته بود. مجلس هم عمر چندانی نداشت، امام خمینی در یکی از اولین رساله‌های خود به تفسیر حدیث «لاضرر» می‌پردازد. مفهوم حصر، تنگنا و اختلاف‌نظر و مفاهیم این‌گونه در کتاب‌های فقهی و اصولی امام مطرح شده‌اند. بسیاری معتقدند مبانی مصلحت در اندیشه‌های امام، بعد از انقلاب مطرح شده است. می‌دانیم که شما با سوابق اندیشه‌های اصولی و تفکرات فقهی امام آشنایی دارید. آیا دیدگاه‌های امام خمینی درباره مصلحت ریشه در دیدگاه‌های نوگرایانه ایشان در مباحث روش‌شناختی اصول فقه و قواعد فقهی، مخصوصا کتاب ایشان درباره قاعده «لاضرر» ندارد؟
من قیلا جواب دادم که فتاوی بسیاری از فقهای ما در فقه سنتی براساس مصلحت اقوا و انتخاب

فاسد در تعارض با افسد است. مصلحت در فقه همیشه جایگاه ویژه‌ای دارد. این نگاه امام در ادامه همان جایگاه است که در این زمان وارد کارهای حکومتی شده است.

۴ در کتاب امام خمینی با عنوان «بدائع الدرر فی قاعدهٔ نفی الضرر» در تفسیر حدیث لاضرر، برای اولین بار تفسیری معطوف به عرصه عمومی و مصالح عمومی از این قاعده ارائه می‌شود و حدیث لاضرر به‌منایه حکم حکومتی و سلطانی تفسیر می‌شود.

نظر ما هم همین است. حدیث «لاضرر و لاضرار فی‌الاسلام» مهم است. ظاهرش این‌گونه است که دو نفر با هم دعوا داشته‌اند. گویا بر سر یک مجرّه بود. دعوا فردی و اجتماعی و البته در حدی محدود بود. اما این «لاضرر» کلی‌تر از آن است. یعنی هر کار ضرری و ضراری را نفی می‌کند. عقیده از درون انسان می‌جوشد. دستوری نیست. اگر استدلال شود، عقیده کسی عوض می‌شود. این قاعده‌ای است که در همه جا می‌آید. اگر اکره بود، در عمل هم صحیح نیست. ضرر هم این‌گونه است. یکی از مشکلات ما این است که در قرون اخیر قاعده‌سازی فقهی کم شده است. فقهای قبلی ۳۰۰ تا ۴۰۰ قاعده ساخته بودند که فتاوا براساس آنان بود. اما الان هزاران مورد مسئله جدید پیش آمده که باید برای آنها قاعده‌سازی شود.

به موضوع بسیار مهمی اشاره کردید. قواعد اصول فقه نوگرایانه‌ای که امام خمینی ارائه می‌کند، در تحول دستگاه‌های فقهی بسیار پراهمیت هستند. علاوه بر آن دیدگاه‌های فقهی نوگرایانه و فتاوی جدیدی که ایشان بعد از انقلاب مطرح کرده بودند نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای در این زمینه دارند. الان که به فتاوی نوگرایانه ایشان مراجعه می‌کنیم، به نظر می‌رسد گویی این فتاوا قواعد روش‌شناختی اصول فقه و قواعد فقهی ناگفته‌ای را درون خود مستتر دارند. در واقع ما با قواعد روش‌شناختی ناگفته‌ای مواجه هستیم که در آن فتاوا مستتر هستند.

۴ امام خمینی علاوه بر تقریرات فراوان درس‌های ایشان بیش از ۵۰جله کتاب از دست‌نوشته‌های خود دارند. اساسا به نظر حضرت‌عالی حوزه جقدر نیازمند استنباط و استمرار این مکتب فقهی و اصولی امام است؟

بله، درست است. چون بعضی از مسائل هستند که الان زمان طرح آنها نیست. زمانی که امام آن کتاب‌ها را می‌نوشتند، اصول کار را می‌دانستند، اما حکومت در دستشان نبود. تأثیرات حکومتی در وجودشان نبود. ایشان آن موقع فقط با مقلدین و متدبیینی ارتباط داشتند که به خاطر نیازهای فقهی به امام و کتاب‌هایشان مراجعه می‌کردند. مسائل حکومتی که نبود، مسائل شخصی بود. وقتی به حکومت رسید، نگاه ایشان همه‌چیز را شامل شد. از مسائل معمولی زندگی فردی انسان‌ها تا مسائل بسیار پیچیده سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را شامل می‌شد. مسائل آن‌گونه که شما می‌گویید در فتاوی ایشان مستتر است، به‌ندرت و در برخورد با مسائل بروز می‌کند. چون همه مسائلی که امام در زمان تحصیل و بعدها در زمان تدریس می‌شنید یا در کتاب‌ها می‌دید، پس از انقلاب مصداق حکومتی پیدا کرد. معلومه است که اندیشه‌ها و امور مربوط به آن اندیشه‌ها توسعه پیدا می‌کند. تطبیق آن فتاوا، تبدیل به مسائل فقهی می‌شود که شما می‌گویید به عنوان اندیشه‌های امام در فتاواایشان مستتر بود. از لحاظ امام، پایه کار همان مسائل است.

منطق و قواعد فقهی و قواعد اصول فقهی‌ای که امام در مجموعه قواعد اصولی متفاوت خودش قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح می‌کنند و بعید باشد در نامه به شما و حتی در اولین حکم تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را تکرار می‌کنند، دقیقا چیست؟ می‌دانیم که «قاعده لاضرر»، «قاعده لاجرح»، «قاعده اختلال نظام» و بحث کلی مصلحت در مباحث تخصصی فقه و اصول فقه امام خمینی موردتوجه ایشان بود. از سوی دیگر، به نظر شما، اگر مجموعه این قواعد و دیدگاه امام خمینی را درباره مناسکین‌هم‌های دستیابی به مصلحت در جامعه در نظر بگیریم، آیا این دیدگاه می‌تواند پبانی از آن قاعده کلی باشد که «کل ما حکم به الشرع، حکم به العقل و کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع»؛ بخش دوم این قاعده به گونه‌ای است که انگار اگر یک نفر در چارچوب بحث مصلحت در نامه‌های امام خمینی به شما و آیت‌الله العظمی گلپایگانی به گونه‌ای روش‌مندانه و عینی زمینه عملیاتی پیدا می‌کند. در جای دیگری هم درباره حفظ حیثیت اسلام و نظام اسلامی تذکر می‌دهند که: باید این حیثیت خودشان را پیش مردم حفظ کنند و این حیثیت حفظ می‌شود به اینکه به مُر اسلام باقی پیدا کرد که آن کار درست است، باید عمل کند؛ چون با عقل به آن رسیدم

۴ این هم باید روی تشخیص صحیح باشد. (صحیفه امام، ج۱۷، ص: ۲۵۳)
بله، ما در اسلام داریم که عقل، پیامبر باطن و پیامبر عقل ظاهر است. یعنی اگر چه در لفظ جدا هستند، اما در معنا یکی هستند. مرحوم شیخ انصاری در کتاب مسائل، بحثی بسیار جدی با عنوان حیثیت قطع دارد. آیا قطع حجت است یا نه؟ منظورش از قطع، همان یقین است. می‌دانیم که یقین هر کسی برخاسته از عقل اوست. شکی نیست که یقین برای هر کسی حیثیت دارد؛ یعنی وقتی کسی در مسئله‌ای یقین پیدا کرد که آن کار درست است، باید عمل کند؛ چون با عقل به آن رسیدم است. ممکن است از راه استدلال نقلی هم باشد، ولی وقتی یقین پیدا می‌شود، حجت می‌شود.

۴ آیا تابن موضوع چالش عرف و شرع را حل می‌کند؟
می‌دانیم که در زوایای عرف، اختلاف هست. حتی در عرف متخصص هم اختلاف هست. مگر اختلافات مهندسین، اطبا و اقتصاددانان است کم؟

روزنه

وزیر کشور تأکید کرد:

حل معضلات

باتکیه بر ظرفیت مردمی

● ایرنا: «عبدالرضا رحمانی‌فضلی» وزیر کشور در دیدار با خیرین امنیت و هم‌اندیشی و پاسداشت از برترین‌های «مکتنا»، گفت: «حل معضلات و آسیب‌های اجتماعی و همچنین مشکلات اقتصادی تنها با تکیه بر ظرفیت مردمی ممکن است».

او افزود: «مشکلات فعلی اقتصادی ناشی از ساختار غلط و مدیریت نامتناسب و وابستگی به نفت است که به همین دلیل وضعیت خوبی نداریم و رهبری چاره کار را تکیه بر مردم دانستند».

وزیر کشور ادامه داد: «عنصر اول اقتصاد، مردمی‌کردن اقتصاد است چراکه با تمرکز بر توانمندی و ظرفیت مردم، اقتصاد درست می‌شود و اگر جز این‌ راه را در پیش بگیریم که البته بیش از این انجام داده‌ایم، موفق نخواهیم بود».

«رحمانی‌فضلی» به آسیب‌های اجتماعی و جلسه سه‌ساعته با مسئولان اجتماعی و سران قوا با مقام معظم رهبری اشاره کرد و گفت: «حل معضلات اجتماعی و آسیب‌ها تکیه بر ظرفیت مردم است؛ همان‌طور که در دنیا چنین است و ما این مهم را قبول داریم اما در عمل سازوکار آن را فراهم نکرده‌ایم؛ بر این اساس با تکیه بر اجتماعی‌کردن مردم، معضلات حل می‌شود».

وزیر کشور گفت: «امنیت کشور ما به موجب حمایت مردم از نظام و انقلاب است و همه معاندین و دشمنان اطراف از پول، سیاست، تجهیزات و تجربه برای ایجاد ناامنی در کشور بهره می‌گیرند و این گفته براساس اسناد و اعترافات گرفته شده است اما با وجود همه اینها نتوانسته‌اند امنیت را خدشه‌دار کنند».

رحمانی‌فضلی افزود: «همواره مردم در صحنه عمل در کنار سپاه و نیروی انتظامی بوده‌اند و امنیت کشور را مدیون آنها هستیم؛ بر این اساس می‌توانیم بگوییم امنیت در کشور از نوع پایدار است».

او گفت: «با تدابیر ناجا و وزارت کشور، تجربه نوین سازماندهی مردم در امنیت با موفقیت آزمون شده است که در این راستا دستورالعمل‌هایی اعلام شده؛ بر این اساس این سرمایه اجتماعی را پای کار امنیت می‌آوریم».
رحمانی‌فضلی با اشاره به ابعاد مختلف «مکتنا» گفت: «می‌توانیم از چشمه‌های جوشان معرفت، فداکاری و مردانگی عاشورا بهره بگیریم؛ چراکه عاشورا برای ما و برای همه زمان‌هاست و باید از این چشمه سرباب شده، درس گرفته و مهیا شویم تا این حادثه را به عنوان پیروان عاشورایی عملی کنیم». وزیر کشور گفت: «چه کسی فکر می‌کرد انقلاب پیروز شود، در مسیر انقلاب نیز حوادث زیادی رخ داد که مردم یاری کردند، به‌ویژه در جنگ که بدون مردم نمی‌توانستیم پیروز شویم. آیا تجزیه‌زاتی قوی‌تر از دشمن داشتیم؟ درحالی‌که تمام دنیا در برابر ایران صف‌آرایی کرده بود اما ایمان مردم کمک کرد و پیروز شدیم».

رحمانی‌فضلی خطاب به مأموران نیروی انتظامی گفت: «این نعمت بزرگی است که مستقیم تحت امر ولی فقیه هستند که همگان به شجاعت، ایمان و راستی او گواهی می‌دهند و شوق بزرگی است که در کنار چنین معشوقی با انگیزه بالاتری کار می‌کنید و می‌دانید هر کلامی که می‌گویند برای تقویت دین، انقلاب و صلاح مردم است و موظفیم کلام او را در صحنه عمل عینی، محقق کنیم».

او گفت: «امنیت بحثی است که امروز چهره دیگری از آن را به نمایش گذاشته‌اید و کلام رهبری گویا و تازه‌ترین تعریف آن است و باید همان را در عمل اجرا کنیم. امنیت پایدار دو ویژگی ایمان و اعتقاد قلبی و تکیه بر مردم که ولی نعمت ما هستند، دارد و باید نسبت به آنها دین و وظیفه خود را ادا کنیم چراکه در هر مقطعی از زمان و شرایط ما را یاری کرده و با این دو بال، صاحب امنیت پایدار هستیم».

وزیر‌کشور ادامه داد: «هر جا مردم پای کار بوده‌اند، موفق‌تر بودیم و آنها را سرمایه اجتماعی دانسته‌ایم همان‌طور که امام راحل مردم را سرمایه اصلی دانسته و همواره در بیاناتشان واژه مردم را با احترام و از سر مهر و دوستی بیان کرده‌اند و انقلاب نیز کاری کرد که روزنه امید در قلب مردم به‌وجود آمد و انفجار عظیم انقلاب رخ دهد».

سردار «حسین اشتری» فرمانده نیروی انتظامی هم در این مراسم گفت: «ناجا امروز بیش از شش هزار مقرر ثابت پاسگاه و کلانتری دارد و هر جا مردم حضور دارند، ناجا هم حضور دارد؛ البته در برخی موارد به دلیل گسترش شهر فاصله داریم و باید از نظر کمی و کیفی این گسترش را با کمک مردم افزایش دهیم».

اشتری ادامه داد: «در دیدار ناجا با مقام معظم رهبری، ایشان فرمودند یک مسئله کمک مردم هستند تا به عنوان پشتیبان به ناجا نگاه

کنند و این نیرو در واقع فرزندان شما هستند که مسئولیت مهمی را بر عهده گرفته‌اند».